

## آرایش‌های ادبی در اوستا

اوستا گنجینه‌ای است پر بها که از روزگاران کهن به یادگار مانده است و گویای اندیشه‌های والا و گرانقدر مردمانی است که در گذشته می‌زیسته‌اند. یشت‌ها بخشی از اوستاست که سرودهایی است در ستایش ایزدانی که نگهدار هستی و آفرینش نیک و اهورایی‌اند.

این سرودها در ابتدا حالت آهنگین و منظوم داشته ولی به جهت بعضی از واژه‌ها که بیشتر برای توضیح و تفسیر بوده و به مرور جزو متن پنداشته شده، ترکیب شعری خود را از دست داده است.

این بخش از اوستا از زیبایی و قدرت و استحکام شعری ویژه برخوردار است و در قالبی شاعرانه و همراه با نظام موسیقایی و آرایش‌های ادبی که در واقع دو فن مهم شعر و قلم ادبی می‌باشند، سروده شده است.

آرایش‌های هنری به یشت‌ها زیبایی و جلوه خاصی بخشیده، تأثیر آن را در دل‌ها و اندیشه‌ها چندین برابر ساخته است. این آرایش‌های ادبی و ساختار موسیقایی از چنان جایگاهی در یشت‌ها برخوردار هستند که بدون بهره‌گیری از آن‌ها زیبایی و لطافت و قدرت نفوذ کلام از بین رفته و شعر به کلام و بیان معمولی و روزمره تنزل می‌یابد و در واقع با استفاده از این آرایش‌ها و آهنگ و موسیقی است که تغییر دگرگونی در زبان ایجاد شده و احساسات برانگیخته می‌شود. واضع علم بدیع عبدالله بن التمعز صاحب کتاب البدیع می‌باشد بعد از او نیز بزرگانی چون تفتازانی و خطیب قزوینی در پیشرفت این دانش سعی و تلاش داشته‌اند در دوره جدید نیز استاد آهنی صاحب کتاب معانی و بیان در جایی صاحب معالم البلاغه و استاد جلال‌الدین همایی به پژوهش و جستار در این دانش پرداخته‌اند و نظر و اندیشه آن‌ها در واقع براساس گفته‌هایی است که گذشتگان بیان کرده‌اند و دیرینه نمونه‌ها که در مورد هر یک از آرایش‌ها آورده می‌شود بیش از قرن سوم هجری - عصر و دوره رودکی نیست و شعرهایی که به پیش از این دوره تعلق دارند به درستی مورد پژوهش و بررسی قرار نگرفته و بدست فراموشی سپرده شده‌اند و حتی گاه وجود این فن و شیوه در ادبیات ارزشمند و تابناک دوره باستان نادیده گرفته شده است.

استاد شفيعی کدکنی در کتاب «صور خیال در شعر فارسی» می‌نویسد:

«بی‌گمان زبان دری و دیگر زبان‌های رایج ایرانی، در دوره قبل از اسلام و حتی دوره اسلامی تا هنگامی که نفوذ شعر عربی، عروض عربی، قالب شعر تازی را بر این زبان تحمیل کرد آثار شعری داشته است ولی از چند و چون این شعرها در هیچ زمینه‌ای آگاهی درستی نداریم و بفرض که از نظر قالب یا عروض نمونه‌هایی پیدا شود که از خصایص آن‌ها سخن گوید موضوع صورخیال و خصایص تصویر در شعر این دوره را نمی‌توانیم از روی اسناد محدودی از این دست بررسی کنیم.»

در حالی که با پژوهش و جستجویی که در بخش کوچکی از یشت‌ها انجام شده است به آسانی آنچه را که صور خیال نامیده شده بخوبی در یشت‌ها دیده می‌شود تنها باید دید و نگرش را درباره آرایش هنری و «صور خیال» ژرف‌تر کرد و گذری نمود بر ادبیات ایران باستان و اوستا.

نمونه‌هایی که در زیر آورده می‌شوند فرآیند این پژوهش و جستجو می‌باشد که بر اساس کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی استاد همایی به دو بخش آرایش‌ها و صنایع بدیع لفظی و بدیع معنوی تقسیم گشته است.

## صنایع معنوی بدیع

### تشبیه

Paiti Jahikayāi Yatumaityāi  
maoʃanō Kairyāi upašta bairyāt  
yenhe frafravaite manō  
yaθā awrēm vatō.šutēm  
Kəhrpəm nāsəmnāi ašaone  
haoma zāirə vadarə jaiʃi

بر سرِ جهیِ جادوگر،  
روسپیِ خود برنده  
که منشِ خود را پرواز می‌دهد  
همچو ابر باد برده  
بر آسبِ رساننده کالبدِ مرد اشو  
ای هوم زریون گرز را بزین

### استعاره

frā tē mazdā barat  
paour vantm aiwyānhanəm  
Stəhr paē Sanhəm mainyutāštəm  
vanuhtm daēnam māzdayasntm

برای تو مزدا برد  
نخستین کمریند را  
[کمریند] آراسته ستاره‌نشان را  
دین نیک مزدیسنا را

Pañča.dasa fračarōiṭe  
pita puṭrasča raofaēsva katarasčit  
yavato yšayōit huaṭwo  
yimō vivanuhato puṭrō

کنايه  
پانزده ساله می نمودند  
در ظاهر پدر و پسر هر یک  
هنگامی که شهریاری می کرد  
جمشید نیک رمه، پسر و یونگهان

arədv̄t sure anāhite  
yat me daēvayasnanam  
aravat nijatəm yaṭa  
sāroma varsnam barāmi

اغراق  
ای اردو یسور آناهیتا  
که از دیو پرستان ام  
چنان کشته را  
می برم به اندازه موهای سرم.

Spitama zaraṭuštra  
vārəntaēca | snaēžitaēca  
srascintaēča fyanhun̄taēča

مراعات النظر  
ای زرتشت سپیتما  
باران می بارند، برف می بارند  
ژاله می بارند و تگرگ می بارند

yimahe yšaṭra aurvahe  
nōit aotəm ānha nōit garoməm

تضاد  
در شهریاری جمشید دلیر  
نه سرما بوده است نه گرما

ā dim Porəsat zaraṭuštrō kō narə ahi  
yim azəm vtspahe anhēus  
avavatō sraēštəm dādarəsa  
Xāhe gayahe xanvatō aməšahe

تجاهل العارف  
آنگاه زرتشت او را پرسید که هستی ای مرد؟  
که من زیباترین هستی  
استومند (مادی) را دیده ام  
با جان روشن نامیرای خویش

yat janat ažim dahākəm

تنسيق الصفات  
که کشت از ی دهاک

θrizafanəm θri.kamərofəm  
yšavaš.ašim hazanrō.yaoxštim  
aš.aojanhəm daevtm drajim

سه پوزۀ سه سر  
شش چشم هزار افسون  
دروغی دیوی توانا را

nt tē zāire mafəm mruyē  
nt aməm ni vərəθraynəm  
nt dasvaro nt baēšazəm  
nt fradaθəm nt varədaθəm  
nt aojō vtspō.tanūm  
nt mastim vtspō.paēsanhəm

اعداد  
ای زریون می خوانم مستی ات را  
نیرو، پیروزی  
سلامتی، پزشکی  
افزایش و ترقی ات را  
نیروی همه تن  
و آگاهی همه آراسته ات را

yāt he puθra us.zayōiθe  
urvāxsayō hərəsāspascā  
tkaēšō anyō datōrāzō  
āat anyō uparō kairyō  
yava gaēsus gafavarō

لف و نشر  
که برای او زاده شد دو پسر  
اورواخشید و گرشاسب  
یکی معلم قانونگذار  
آنگاه دیگری ابرکار  
جوانِ مجعد موی گیس دار

pairi šē uši vərənuifi  
Skəndom še manō kəronūifi

صنایع لفظی بدیع  
جناس  
دو گوش اش را بپوشان  
و منش اش را فروزن

yat kərənaot ainhe yšaθrāfa  
amaršanta pasu vtra  
anhaošəmnē āpa Urvaire  
xāiryān xarəθəm ajyamnəm

اشتقاق  
که در این شهر یاری کرد  
بی مرگ انسان و حیوان را  
خشک نشدنی آب و گیاه را  
و پیرنشدنی برای خوردن، خوردنی را

ردالمعجز علی الصدر

که من بزمنم

سرزمین های تورانی را

yaθo azəm nijanāmi

tūiranam dahyunam

ردالمعجز علی الصدر

برای پنجاه زَنش برای صد زَنش

برای صد زَنش برای هزار زَنش

برای هزار زَنش برای ده هزار زَنش

برای ده هزار زَنش برای صد هزار زَنش

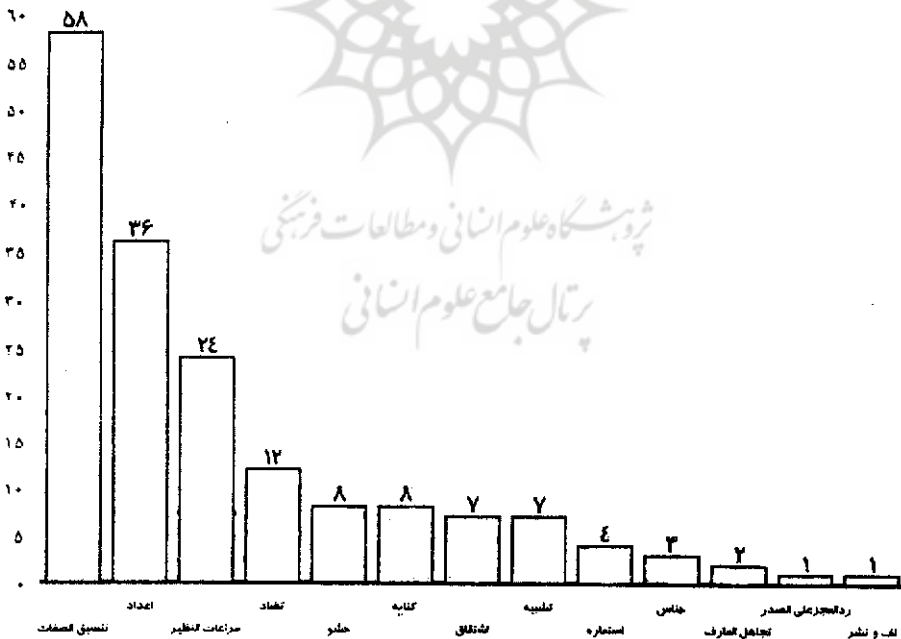
pancasaynāi sataynāišča

sataynāi hazanraynāišča

hazanraynāi baevarəynāišča

baevarəynāi ahaxštaθnāišča

در پایان باید گفت که در این پژوهش تنها سه یشت از مجموع بیست و یک یشت از نظر آرایش های هنری مورد بررسی قرار گرفته اند و با توجه به بررسی ها و نمونه هایی که آورده شده ریشه بسیاری از آرایش ها را مانند تضاد، مراعات النظیر - تشبیه استعاره - که امروزه در ادبیات مطرح است و در واقع اساس دانش بدیع می باشد، در ادبیات ایران قبل از اسلام باید جست بعضی از صنایع و آرایش ها نیز در سه یشت فوق وجود ندارد و تعداد بعضی از آن ها نیز بیشتر از دیگر فن ها و آرایش ها می باشد که آمار دقیق آن بر روی نمودار آورده شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی